

سرمقاله

این شماره، بدون اینکه از قبل برنامه‌ریزی کرده باشیم، شماره ویژه لفظ‌گرایی شده است. از یک طرف، نام ادیب‌سلطانی با لفظ‌گرایی پیوند خورده و تحلیل من از سبک ایشان هم طبعاً بر لفظ‌گرایی تأکید می‌کند. از طرف دیگر، گفت‌وگوی من با خانم نیکو سرخوش هم بیشتر درباره لفظ‌گرایی است. همچنین مقاله «راز لفظ‌گرایی چیست؟» مشخصاً درباره لفظ‌گرایی و دلایل آن است، ضمن اینکه در معرفی و نقد کتاب خانم سرخوش و نیز در سخنرانی‌ام درباره گتسبی بزرگ به لفظ‌گرایی اشاره‌هایی کرده‌ام. البته درباره لفظ‌گرایی هرچه بگوییم کم گفته‌ایم چون در حال حاضر لفظ‌گرایی آفت ترجمه در ایران است و بعید می‌دانم در هیچ کشوری در جهان این مسئله ابعادی تا این حد گسترده پیدا کرده باشد و تهدیدی برای زبان و فرهنگ بومی به حساب بیاید.

در این مدت که از فوت شادروان ادیب‌سلطانی می‌گذرد روزنامه‌ها و مجله‌های مختلف به ستایش شخصیت و علم ایشان پرداختند و البته کار بجایی هم کردند ولی من چشم به نقدی بر دیدگاه و سبک ترجمه ادیب‌سلطانی نیفتادم. عباراتی مجمل مبنی بر اینکه سبک ایشان غیرعادی بود و چندان اقبال نیافت دیده می‌شد، ولی فقط در همین حد. البته سبک ادیب‌سلطانی در ترجمه با اقبال عمومی روبه‌رو نشده است، ولی این سبک را باید درست شناخت چون صورت‌های معتدل‌تری از این سبک در کار برخی مترجمان دیده می‌شود و بررسی انتقادی این سبک بینش‌های زیادی با خود می‌آورد. نکته مهمی که از بررسی سبک ترجمه ادیب‌سلطانی آموختم این بود که خوب است مترجمان (که طبعاً از حوزه‌های تخصصی مختلف به ترجمه روی می‌آورند) با حوزه پژوهشی مطالعات ترجمه آشنا بشوند و خود را بی‌نیاز از مباحث نظری ندانند و نخواهند چرخ ترجمه را دوباره اختراع کنند. مطالعات ترجمه مجموعه مفصلی از همه پژوهش‌ها و نظریات پژوهشگران و مترجمان حرفه‌ای در سراسر جهان است و به مترجم بینشی عمیق درباره ماهیت ترجمه می‌دهد و او را از ارتکاب خطاهای نظری و عملی در ترجمه باز می‌دارد.

در این شماره همچنین به بررسی کتاب در خدمت و خیانت مترجمان نوشته خانم نیکو سرخوش پرداخته‌ام. انتشار این کتاب اتفاقی مبارک در عرصه ترجمه‌پژوهی در ایران است و به همین مناسبت با خانم سرخوش درباره محتوای کتاب گفت‌وگو کردم. کتاب از این جهت ارزشمند است که خارج از دانشگاه و توسط کسی نوشته شده که خودش مترجم است و به عرصه ترجمه اشراف دارد. به خانم سرخوش از صمیم قلب تبریک می‌گویم و از ایشان تشکر می‌کنم چون با جسارت مطالبی نوشته‌اند که گرچه شخصاً با همه آنها موافق نیستم ولی اولاً در کلیات (یعنی در نقد لفظ‌گرایی و در ستایش فارسی‌گرایی) با ایشان همدل و مطمئنم، و یا دست‌کم امیدوارم، که این کتاب زمینه بحث‌های نظری زیادی درباره وضعیت ترجمه در ایران را فراهم خواهد کرد.

گفت‌وگوی من با خانم سرخوش شاید قدری غیرمعارف باشد چون سؤال‌ها بسیار بلند است و معدود. دلیل آن این است که من فکر کردم اگر خواننده گفت‌وگو کتاب را نخوانده باشد پس شاید از گفت‌وگو سردرگم‌شود. این بود که مجبور شدم چکیده‌ای از اندیشه نویسنده را مطرح کنم و لذا سؤال‌ها طولانی شد. البته در مقاله دیگری که به معرفی و نقد کتاب پرداخته‌ام قدری بیشتر درباره کتاب صحبت کرده‌ام.

در این شماره همچنین بحث جدیدی را آغاز کرده‌ام درباره نثر فارسی. حقیقت این است که ما، به گواه کم‌وکیف مقاله‌هایی که نوشته‌ایم، بیش از دپارتمان‌های زبان و ادبیات فارسی غم فارسی داریم. اصلاً مترجم شده است غم‌نامه فارسی. چه خوب است همه افراد و نهادهایی که کارشان با زبان فارسی مرتبط است امروز را دریابند و به هرآنچه به زبان فارسی تألیف و ترجمه می‌شود حساسیت نشان بدهند و آسیب‌ها را شناسایی کرده و راه‌حل ارائه بدهند چون فارسی ارزشمندترین میراث ملی ماست. در این شماره از دو تن از بزرگان حوزه ادبیات فارسی یعنی دکتر زرقانی و دکتر دهقانی خواهش کردم که فتح باب بکنند. امیدوارم دیگران هم به مایمیوندند.

تاریخ شفاهی ما درباره فرانکلین در این شماره هم ادامه پیدا می‌کند و استاد آذرنگ عزیز از تجربیات ارزشمندشان در این مؤسسه دوران‌ساز صحبت می‌کنند. ❁

ع.خ.

پاییز ۱۴۰۲